**جلسه 56-168**

**‌شنبه - 30/10/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر قبله مشتبه بشود بین چهار جهت، مشهور گفتند اگر بتواند به چهار جهت نماز می‌‌خواند، ‌اگر نتواند هر مقدار که می‌‌تواند، ‌به سه جهت می‌‌تواند؟‌ به سه جهت نماز بخواند.

تعلیلی که در کتاب مستمسک و تنقیح (تقریر مرحوم آقای خوئی) ذکر شد این بود که ارجاع دادند بحث را به اضطرار الی احد الاطراف لابعینه. گفتند در آنجا گفته شده که موافقت قطعیه وقتی ممکن نبود نوبت می‌‌رسد به موافقت ظنیه.

ما عرض کردیم این بحث ربطی به آن بحث ندارد. حتی کسانی مثل مرحوم استاد که در بحث اضطرار الی احد الاطراف لابعینه تمایل دارند بفرمایند که موافقت قطعیه وقتی ممکن نبود عقل تنزل می‌‌کند به موافقت احتمالیه و تعین ندارد موافقت ظنیه، ‌اما در مقام قائلند به وجوب موافقت ظنیه. نکته‌اش هم واضح است. چون که من مثلا نماز صبح را نمی‌دانم به چه سمت بخوانم، الآن‌ که من عاجز نیستم از نماز نحو القبلة، عاجزم از احراز امتثال.

و عجیب است مرحوم آقای خوئی چندین بار تکرار کرده، ‌فرموده که ما عاجزیم از استقبال قبله در حالی که این خلاف مبنای ایشان است. ما عاجزیم از احراز امتثال نه عاجز از خود امتثال؛ عاجز از استقبال قبله نیستیم فعلا تا بگوییم شرطیت استقبال ساقط می‌‌شود. ما عاجزیم از احراز امتثال، ‌فعلا قادریم بر امتثال. سه نماز می‌‌خوانیم، ‌نماز چهارم عاجز می‌‌شویم، وقتی عاجز شدیم آن نماز چهارم یا این است که قبلا نماز به طرف قبله خواندیم که هیچ‌ یا قبلا نماز به طرف قبله نخواندیم نماز چهارم می‌‌خواهد نماز به طرف قبله باشد بطور معین این نماز من اضطرار دارم به ترکش چون دیگر یا وقت نیست برای خواندن نماز چهارم یا من دیگر توانایی دارم. ظالمی منع کرد من را از بیش از سه نماز خواندن، نماز چهارم بطور معین می‌‌شود غیر مقدور و تکلیف بعد از خواندن سه نماز مرتفع می‌‌شود بخاطر اضطرار به ترک امتثال، بخاطر این‌که بقائا تکلیف به غیر مقدور می‌‌شود. پس اصلا اینجا علی القاعدة است که ما باید تا تکلیف هست، توان‌مان را بگذاریم، احراز امتثال نمی‌توانیم بکنیم ولی باید رها نکنیم امتثال را، ‌رها نکنیم تلاش‌مان را. بعد از این‌که سه نماز را خواندیم دیگه یقینا تکلیف ساقط می‌‌شود یا چون قبلا نماز به طرف قبله خواندیم یا بخاطر این‌که اگر نماز به طرف قبله نخواندیم دیگه بعد از این نماز به طرف قبله می‌‌شود تکلیف به غیر مقدور و رفع می‌‌شود.

و لذا مرحوم استاد در شرح این مسأله عروه اشاره به مبنای خودشان نکردند که موافقت ظنیه متعین نیست؛ مطلب را جوری بیان کردند که کاملا دقیق روشن می‌‌شود وجهش. همین مطلب را هم ایشان فرمودند که ما تا سه نماز که مضطر نیستیم به ترک واجب، تکلیف فعلی است و استصحاب عدم اتیان به صلات نحو القبلة بعد از نماز اول، بعد از نماز دوم جاری می‌‌شود می‌‌گوید تکلیف فعلی است. نماز سوم را که خواندیم دیگه آن نماز چهارم می‌‌شود غیر مقدور؛ تکلیف ساقط می‌‌شود.

مرحوم سید ابن طاووس فرمودند: چرا ما به عمومات قرعه رجوع نکنیم؟ کل مجهول ففیه القرعة. قبله مجهول است ففیه القرعة. این رویت محمد بن حکیم هست: کل مجهول ففیه القرعة.

انصاف این است کما سیأتی فی بحث القرعة که نمی‌شود به اطلاق کل مجهول ففیه القرعة ملتزم شد. یا باید بگوییم مراد آنی است که حکم ظاهری و واقعی آن مجهول است که در بحث اشتباه قبله حکم ظاهری معلوم است: یا وجوب احتیاط است بناء بر نظر مشهور، یصلی لاربع وجوه و یا یجزی المتحیر اینما توجه هست، بهرحال با وجود این دلیل حکم ظاهری روشن است، ‌نوبت به کل مجهول ففیه القرعة نمی‌رسد. یا این دو حدیث اخص است از کل مجهول ففیه القرعة یا این‌که به تعبیر آقای خوئی و لو طبق قاعده اشتغال ما حکم ظاهری را فهمیدیم، ‌مجهول بقول مطلق دیگر نیست این واقعه، حکم ظاهری ما این است که احتیاط بکنیم. تفصیل بحث ان‌شاءالله در بحث قرعه دنبال خواهد شد.

حالا رسیدیم به این مسأله که نماز ظهرش را بناء بر نظر مشهور که یصلی لاربع جهات عند اشتباه القبلة اگر بخواهد به چهار سمت بخواند، نماز عصرش را آیا می‌‌تواند با انحراف از آن نقطه نماز ظهر، مثلا چهل و پنج درجه انحراف از آن نقطه پیدا کند، ‌نماز عصرش را با چهل و پنج درجه انحراف از نقطه نماز ظهر بخواند، نماز ظهرش را دقیقا طبق آن نقشه دائره که کشید، چهار خط متقاطع، چهار خط متقابل، چهار شعاع کشید، نماز ظهر را دقیق رأس آن نود درجه خواند اما نماز عصرش را می‌آید چهل و پنج درجه آن طرف می‌‌خواند. گفتیم که همان‌طور که آقای خوئی فرمودند اگر نماز ظهرش را اول می‌‌خواند بعد نماز عصر را شروع می‌‌کند اشکال ندارد؛ اطلاق دارد یصلی لاربع جهات. و یقوی هذا الاطلاق این‌که مردم حفظ نمی‌کردند آن نقاطی را که نماز ظهر می‌‌خواندند مخصوصا اگر می‌‌خواستند نماز عصر را با فاصله بخوانند یا در جای دیگری بخوانند بعد از گذشت مقداری راه در سفر. اما اگر نماز ظهر و عصرش را با هم بخواند در هرکدام از این چهار جهت، در جهت اول نماز ظهر می‌‌خواند بعد نماز عصر، ‌بعد جهت دوم نماز ظهر می‌‌خواند بعد نماز عصر و هکذا، اینجا به قول آقای خوئی انحراف ده درجه هم مضر است، باید عرفا در همان نقطه نماز ظهر نماز عصر را بخواند. چرا؟

برای این‌که ما از روایت یصلی لاربع وجوه استفاده کردیم که انحراف تا چهل و پنج درجه بخشیده شده که گفتند چهار نماز بخوانید، چون چهار نماز به چهار خط متقابل، ‌این معنایش این است که یا شما به طرف قبله نماز خواندید یکی از این چهار نماز یا انحراف‌تان بیش از چهل و پنج درجه نیست از قبله. اگر ما بین المشرق و المغرب قبلة درست بود در اینجا، انحراف کمتر از نود درجه از قبله مشکل نداشت، باید می‌‌گفتند سه نماز بخوانید نه چهار نماز. این‌که گفتند چهار نماز بخوانید ظاهرش این است که چهار نماز به چهار خط متقابل که فاصله هر دو نماز با هم حدودا نود درجه باشد. این معنایش این است که یا یکی از این چهار نماز به سمت قبله است یا انحرافش بیشتر از چهل و پنج درجه نیست.

خب حالا اگر شما نماز ظهر‌تان را به نقطه جنوب مثلا بخوانید، ‌نماز عصرتان را ده درجه از نقطه جنوب منحرف به سمت مشرق بخوانید، ‌اختلاف نماز عصر با نماز ظهر ده درجه است، ‌اما شما چه می‌‌دانید، شاید فی علم الله نماز ظهرتان پنجاه درجه از قبله فاصله داشته باشد، ‌اما نماز عصرتان ده درجه فاصله را کم بکنید به قبله، فاصله می‌‌شود چقدر؟ چهل درجه. آن نقطه‌ای که نماز ظهر را خواندید، ‌حالا ما به عنوان مثال گفتیم نقطه جنوب، مهم نیست، شما هر نقطه‌ای بگویید، نقطه شمال، نقطه مغرب، نقطه مشرق، این مهم نیست، مهم این است که شاید این نماز فاصله‌اش از نقطه حقیقی قبله پنجاه درجه باشد. ده درجه که چرخیدید در نماز عصر به یک طرف شاید فی علم الله همین ده درجه مشکل استقبال قبله را در نماز عصر حل کرد‌، فاصله‌تان تا قبله شد چقدر؟ چهل درجه. خب این نماز عصر استقبال قبله در او حفظ شده بود ولی ترتیب مختل شده بود. پس این نماز عصری که در این چهار تا نماز عصر تنها نمازی است که فی علم الله انحرافش از قبله از چهل و پنج درجه کمتر است و الا آن سه نماز عصر دیگری که می‌‌خوانید انحرافش از قبله بیشتر است. تنها نمازی که شاید فی علم الله از این نمازهای عصری که می‌‌خوانید، انحرافش از قبله چهل و پنج درجه بیشتر نباشد همین نماز عصر اولی است. اما چه فایده، شرط نماز عصر یکی استقبال قبله است، ‌دیگریش ترتیب است‌، الا انه هذه قبل هذه.

[سؤال: ... جواب:] شما این نماز عصرتان‌ که استقبال قبله در او حفظ شد چون چهل درجه انحراف‌تان بیشتر از قبله نیست، مشکل استقبال قبله نداشت ولی مشکل ترتیب داشت. چون نماز ظهری که قبلش خواندید پنجاه درجه از قبله فاصله داشت. آن سه نماز عصری که بعدا می‌‌خوانید که هیچکدامش استقبال قبله نیست. ... دقت کنید! فرض این است که فاصله نماز ظهرهای چهارگانه، نماز ظهرهایی که چهار بار می‌‌خوانید هرکدام از هم نود درجه است. فاصله نماز عصرها هم از هم نود درجه است. ... فرض این است. یصلی لاربع وجوه ظاهرش این است که یصلی لاربع وجوه متقابلات. عرض کردم اگر ما بین المشرق و المغرب قبلة‌ را بگویید که انحراف کمتر از نود درجه باشد از قبله در این حال مشکلی ایجاد نمی‌کند که اصلا نیاز به چهار نماز نبود.

نماز ظهر اولی که می‌‌خوانید شاید فی علم الله همان نمازی است که استقبال قبله در او رعایت شده، انحرافش از قبله کمتر از نود درجه است، چهل درجه است و لذا اگر ترتیب معتبر نبود بین ظهر و عصر نماز عصرتان مشکل نداشت و لکن نماز ظهری که اول خواندید پنجاه درجه از قبله انحراف دارد، ده درجه بعد نماز عصرتان را چرخیدید به سمت قبله انحراف نماز عصر شد چهل درجه، آن نماز ظهر انحرافش بیش از چهل و پنج درجه است، او باطل است. بعد شما این نماز عصرتان مشکل ترتیب دارد و لو مشکل استقبال قبله ندارد. اما نماز عصرهایی که بعدا می‌‌خوانید که مشکل استقبال قبله دارد. چون اگر این نماز چهل درجه از قبله بیشتر فاصله ندارد آن نمازهای عصر بعدی که نود درجه با این نماز عصر اول اختلاف جهت دارد آن‌ها قطعا استقبال قبله در آن مراعات نشده.

[سؤال: ... جواب:] نماز عصر بعدی باید با این نماز عصر اول نود درجه فاصله داشته باشد. یصلی لاربع وجوه. نماز عصر را باید به چهار جهت متقابل بخوانید. شما ده درجه نماز عصرتان را چرخیدید به یک سمت، ‌فاصله افتاد بین جهت نماز ظهر و جهت نماز عصر، ‌ده درجه، همین مقدار مشکل ممکن است تولید بکند. چون نماز عصرتان شاید فی علم الله مشکل استقبال قبله‌اش با همین ده درجه چرخیدن برطرف بشود، چهل درجه انحراف از قبله پیدا بکنید اما نماز ظهرتان پنجاه درجه انحراف از قبله داشتید، او باطل بوده. نماز عصر بعدی که می‌‌خوانید چون فاصله‌اش با این نماز عصر اول نود درجه است، فاصله‌اش از قبله یا پنجاه درجه است، یکی پنجاه درجه است، ‌یکی از آن سه تا نماز ظهر بعدی فاصله‌اش با قبله پنجاه درجه است، ‌بقیه که هیچ، مشکل این است. اما اگر نه، نماز ظهر و عصر را دقیق به یک نقطه بخوانید، دقیق عرفی می‌‌گوییم، بالاخره هر دو نماز یا انحراف‌شان از قبله کمتر از چهل و پنج درجه است که هر دو صحیح است یا بیشتر از چهل و پنج درجه است، هر دو باطل است، آن وقت نماز بعدی می‌آید در گردونه، ‌یکی از این چهار نماز بالاخره یا مستقبل القبلة است یا انحرافش از قبله بیش از چهل و پنج درجه نخواهد بود. و لذا یا باید اول چهار نماز ظهر را بخوانید بعد آزادید چهار نماز عصر را با انحراف از همان نقطه نماز ظهر بخوانید، ده درجه، بیست درجه حتی چهل و پنج درجه هیچ مشکلی ندارد. اما اگر می‌‌خواهید با هم بخوانید نماز ظهر و عصر را انحراف ده درجه هم مضر است.

بله، ‌اگر ما فرمایش صاحب عروه را بگوییم که ما بین المشرق و المغرب قبلة که آقای خوئی هم آنجا گفت حق با صاحب عروه نه، مشکلی ندارد. چرا؟‌ برای این‌که انحراف کمتر از نود درجه در این حال مغتفر است. ما هم آن‌جوری که حساب کردیم انحراف نماز ظهر پنجاه درجه از قبله بود، نماز عصر چهل درجه، خب نماز ظهر هم صحیح است. و لکن عرض کردیم این خلاف ظاهر یصلی لاربع وجوه هست.

اما بناء‌ بر مبنای ما که در اشتباه قبله یک نماز به هر جهتی بخوانید کافی است، اصلا ما معتقدیم شما می‌‌توانید نماز ظهر‌تان را یک سمت بخوانید نماز عصر را یک سمت دیگر. اگر ما بگوییم اجزاء، ظاهری است، نه، عرف این را قبول نمی‌کند، عقل هم این را قبول نمی‌کند. چرا؟ برای این‌که اگر اجزاء ظاهری است یعنی موافقت احتمالیه، آن وقت نماز عصر‌تان را با انحراف حتی به جهت جنوب و مغرب مثلا بخوانید نه استقبال و استدبار، ‌نماز ظهرتان را به این سمت بخوانید نماز عصرتان را به آن جهتی که وصل به آن جهتی است که نماز ظهر را خواندید، نماز ظهر را به جهت جنوب خواندید، ‌نماز عصر را به جهت مغرب بخوانید یا به جهت مشرق بخوانید، ‌علم تفصیلی پیدا می‌‌کنید که این نماز عصرتان باطل است. چون یا اخلاف به جهت قبله در نماز عصر داشتید اگر قبله به این سمتی نباشد که نماز عصر را خواندید و یا نماز ظهرتان خلل به قبله‌اش رسیده بوده و نماز ظهرتان باطل بوده، شرط ترتیب مختل شده. حتی اینجا هم ما مشکل داریم.

حتی به نظر صاحب عروه هم ما مشکل داریم که می‌‌گفت ما بین المشرق و المغرب قبلة. چرا؟‌ برای این‌که بناء بر نظر صاحب عروه هم درست است احتمال صحت هر دو نماز را می‌‌دهیم، ‌چرا؟ برای این‌که شاید قبله وسط این دو جهت باشد، ‌نماز ظهر‌مان چهل و پنج درجه این طرف خوانده شد، نماز عصر چهل و پنج درجه آن طرف و لکن احراز ترتیب نمی‌کنیم. مشکل این است.

این را دقت کنید! ما این درست نیست که بگوییم شاید این نماز صحیح باشد، خب شاید هم این نماز باطل است. احراز صحت نمی‌کنیم. در همان بحث قبلی هم که نماز ظهرش را می‌‌خواند، ‌نماز عصرش را ده درجه با انحراف می‌‌خواند، آنجا هم شاید نمازش فی علم الله صحیح باشد، شاید نماز ظهرش و نماز عصرش با اختلاف ده درجه رو به قبله باشد. شاید که فایده ندارد. احراز امتثال باید بکنیم و الا قاعده اشتغال جاری می‌‌شود.

اما اگر گفتیم یجزی المتحیر اطلاقش می‌‌گوید اجزاء، واقعی است، حتی مستدبر هم بشویم، نماز ظهر را به یک سمت خواندیم، ‌نماز عصر را مستدبر خواندیم، ‌مقتضای صناعت این است که این نماز صحیح است. ذیل صحیحه معاویة بن عمار هم در نقل صدوق می‌‌گفت: وردت هذه الآیة فی قبلة المتحیر فاینما تولوا فثم وجه الله.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که ما در داخل وقت تبین خلاف نمی‌شویم. ... علم اجمالی که تبین خلاف نیست، ‌علم اجمالی از اول داریم. تبین خلاف نمی‌شود، تبین نمی‌شود که قبله یک سمت دیگر بوده است.

مسأله 13: من کانت وظیفته تکرار الصلاة الی اربع جهات او اقل و کان علیه صلاتان یجوز له ان یتمم جهات الاولی ثم یشرع فی الثانیة.

صاحب عروه در کیفیت نماز ظهر و عصر مثلا در اشتباه قبله فرموده است که سه کیفیت دارد، دو کیفیتش صحیح است، ‌یک کیفیتش اشکال دارد.

کیفیت اول این است که نماز ظهرش را به چهار سمت بخواند، ‌تمام کند، ‌بعد نماز عصر را به چهار سمت بخواند. این مشکلی ندارد.

کیفیت دوم این‌که نماز ظهر و عصرش را به یک سمت بخواند بعد نماز ظهر و عصر را تکرار کند در سمت دوم، ‌بعد نماز ظهر و عصر را تکرار کند در سمت سوم، بعد در سمت چهارم تکرار کند نماز ظهر و عصر را.

و یجوز له ان یأتی بالثانیة فی کل جهة صلی الیها الاولی الی ان تتم و الاحوط اختیار الاولی. صاحب عروه می‌‌فرماید احتیاط مستحب این است که کیفیت اولی را انتخاب کند تا مشکل اخلال به جزم در نیت حاصل نشود. چون بعضی‌ها شبهه کردند، ‌گفتند اگر به یک سمت هم نماز ظهر را بخوانی هم عصر، قبل از این‌که نماز ظهر را به سمت‌های دیگر بخوانی، جازم نیستی به این‌که شرط ترتیب در این نماز عصر حفظ شده. جوابش این است که آقا! جزم به حفظ شرط ترتیب نیازی به آن نیست. اگر این نماز رو به قبله است ترتیب هم در او حفظ شده، اگر رو به قبله نیست، اصلا باطل است، شرط ترتیب در او حفظ بشود یا نشود مهم نیست.

اما کیفیت سوم که صاحب عروه قبول ندارد: و لایجوز ان یصلی الثانیة الی غیر الجهة التی صلی الیها الاولی. بخواهد نماز ظهر را به سمت جنوب بخواند بعد نماز عصر را بعدش بخواند بلافاصله به سمت شمال، نماز ظهر را به سمت جنوب می‌‌خواند، ‌یک نماز، می‌‌گوید پس بگذار بعدش نماز عصر را بخوانم، قبل از تکمیل نماز ظهر به چهار جهت، یک نماز ظهر به جنوب خواند حالا می‌‌خواهد یک نماز عصر هم به شمال بخواند، این می‌‌شود صد و هشتاد درجه یا نه، ‌نود درجه، نماز ظهر را به سمت جنوب بخواند، نماز عصر را به سمت مشرق یا مغرب بخواند، ‌این جایز نیست.

این مطلب که صاحب عروه گفت این کیفیت ثالثه جایز نیست، وجهش این است که ما احراز نمی‌کنیم که نماز ظهر صحیح را تحویل خدا دادیم. چرا؟ چون شاید نماز عصرمان رو به قبله بوده اما نماز ظهرمان نود درجه منحرف بوده از قبله، نماز ظهرمان باطل شده چون نود درجه از قبله منحرف شده حتی به نظر صاحب عروه این مقدار انحراف از قبله مضر است در حال جهل. خب نماز ظهرمان نود درجه انحراف داشته از قبله، او باطل است، اما نماز عصرمان فی علم الله رو به قبله باشد، یک نماز عصر رو به قبله داشتیم، ‌آن سه تا نماز عصر دیگر که رو به قبله نیست، ‌یک نماز عصر رو به قبله داشتیم، آن هم همان نماز عصر اولی که مشکلش این است که نماز ظهری که قبلش خواندیم نود درجه انحراف از قبله داشته.

و لذا این فرمایش صاحب عروه فرمایش متینی است.

[سؤال: ... جواب:] شما اگر نماز ظهر را بخوانید به نقطه جنوب، نماز عصر را بخوانید به نقطه مغرب تا چه برسد به نقطه شمال بخواهید بخوانید. ... نماز ظهرهایش که درست است، نماز عصرش مشکل پیدا می‌‌کند. نماز عصر مشکل پیدا کند مهم نیست؟ ... عصرش مشکل پیدا می‌‌کند. ... نماز ظهرش نود درجه شاید از قبله منحرف باشد، آن وقت نماز عصری که خوانده رو به قبله خوانده اما مشکل این است که ترتیب مختل شده، ‌آن نماز ظهرش باطل بوده. نگویید آقا!‌ بعدا نماز نماز ظهر می‌‌خواند رو به قبله. چه فایده دارد؟ نماز عصرش را دیگه به این سمت اعاده نمی‌کند. چرا، اگر بیکار است، پنج تا نماز عصر بخواند مشکل حل می‌‌شود. این دیگه برای بیکارها خوب است، ‌این دیگه کیفیت فقهیه نشد.

[سؤال: ... جواب:] عرض کردم، وجه احتیاط مستحب بودن آن کیفیت اولی این است که موقعی که نمار عصر می‌‌خوانی یقین داری که شرط ترتیب را از اول داری مراعات می‌‌کنی که گفتیم مهم نیست. حالا من نماز ظهرم را به این سمت می‌‌خوانم، نماز عصرم را هم به این سمت می‌‌خوانم اگر این سمت قبله است ترتیب هم حفظ شده، نماز ظهر هم صحیح است نماز عصر هم صحیح است. اگر قبله نیست هر دو باطل است، حالا ترتیب حفظ بشود یا نه چه اثری دارد. و لذا متعین نیست کیفیت اولی، ‌کیفیت ثانیه هم مشروع است.

خوب دقت کنید! ما این مثالی که زدیم، ‌نماز ظهر را به جنوب می‌‌خوانید، نماز عصر را به مغرب یا مشرق، احتمال صحت هر دو نماز هست چون شاید قبله بینهما باشد ولی مشکلش عدم احراز صلات صحیحه است. اما اگر بخواهد نماز ظهرش را به سمت جنوب بخواند نماز عصر اولیش را به سمت شمال، پشت به جنوب، او که اصلا علم تفصیلی پیدا می‌‌کند به بطلان نماز عصر. چرا؟ برای این‌که انحراف یکی از این دو نمازهایش از قبله یقینا از نود درجه بیشتر است. به نظر صاحب عروه هم نمازش واقعا باطل می‌‌شود. دیگه اینجا مشکل این نیست که احراز نمی‌کنیم صحت هر دو نماز را. نه، احراز می‌‌کنیم بطلان احدی الصلاتین را بلکه بطلان نماز دوم تفصیلا معلوم می‌‌شود. چون یا انحراف نود درجه‌ای یا بیشتر از قبله دارد یا اگر انحراف نود درجه‌ای یا بیشتر از قبله ندارد ظهرش انحراف داشته از قبله، ترتیب مختل شده.

مسأله 14 این است: آقا! هشت تا نماز وقت ندارم بخوانم، می‌‌گویند چند تا می‌‌توانی بخوانی؟ یکی می‌‌گوید هفت تا، ‌یکی می‌‌گوید شش تا، ‌یکی می‌‌گوید پنج تا، یکی می‌‌گوید چهار تا. فقهاء هم گفتند این صورت‌ها مختلف شد یکی یکی حساب کنیم:

صورت اولی این است که یکی می‌‌گوید من هفت تا نماز می‌‌توانم بخوانم، هشت تا نمی‌توانم. صاحب عروه گفته که به نظر ما واجب هست چهار تا نماز ظهر بخوانی، سه تا نماز عصر. چرا؟ صاحب عروه می‌‌گوید برای این‌که تزاحم است. ما دو تا واجب داریم: یکی وجوب موافقت قطعیه نماز ظهر، وجوب احتیاط در نماز ظهر، یکی هم وجوب موافقت قطعیه نماز عصر. من نمی‌توانم هر دو واجب را امتثال کنم. اگر بخواهم موافقت قطعیه کنم نماز ظهر را، چهار تا نماز ظهر بخوانم، ‌نماز عصر موافقت قطعیه نمی‌شود، سه تا نماز برای عصر می‌‌توانم بخوانم. و اگر بخواهم موافقت قطعیه بکنم عصر را، ‌باید نماز ظهر سه تا بخوانم. چه جوری؟ چه جوری موافقت قطعیه کنم نماز عصر را و نماز ظهر سه تا بخوانم؟ نماز ظهر و عصر را می‌‌خوانید به جهت اولی، نماز ظهر و عصر می‌‌خوانید به جهت ثانیه، ‌نماز ظهر و عصر می‌‌خوانید به جهت ثالثه، این چند تا می‌‌شود؟ شش تا. هفتمی هم نماز عصر را می‌‌خوانید به جهت رابعه. با این کار احراز می‌‌کنید موافقت و امتثال نماز عصر را، چون چهار تا نماز عصر خواندید، هیچ مشکلی هم نداشت، جوری خواندید که ترتیب هم حفظ می‌‌شود. نگویید در نماز چهارم عصر که نماز ظهر نخواندیم، آن‌که در وقت مختص عصر خواندید، دیگه شرطیت ترتیب ساقط شده. چهار رکعت مانده به غروب آفتاب آن نماز عصر چهارمی را می‌‌خوانید، ‌زرنگی می‌‌کنید. یک وقتی نماز عصر چهارمی را می‌‌خوانید که وقت مختص عصر داخل شده، ‌ترتیب ساقط شده.

[سؤال: ... جواب:] به وقت مختص هم قائل نیستیم، به این‌که در ضیق وقت ترتیب ساقط می‌‌شود که قائلیم، روایت می‌‌گفت بدأ بالعصر، بدأ بالعشاء عند ضیق الوقت.

صاحب عروه می‌‌گوید من قبول دارم، می‌‌توانی موافقت قطعیه بکنی نماز عصر را اما نماز ظهر اهم است، حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی‌ أی صلاة الظهر. نماز ظهر اهم است. مگه در قواعد تزاحم نگفتند اعمال قواعد تزاحم یکی ترجیح به اهمیت است، ‌اینجا نماز ظهر اهم است. و لذا باید موافقت قطعیه کنیم نماز ظهر را.

اشکال شده که آقا! تزاحم گاهی تزاحم امتثالی است، گاهی تزاحم احرازی است. در تزاحم امتثالی بله، ترجیح به اهمیت می‌‌دهیم، ترجیح به اهمیت می‌‌دهیم، ‌تزاحم است بین انقاذ غریق و نماز. اما گاهی تزاحم، ‌تزاحم احرازی است. من ممکن است هر دو واجب را انجام بدهم، ‌اما مشکل این است که نمی‌توانم احراز کنم امتثال هر دو واجب را، تزاحم بین احراز الامتثالین است. گفته شده کما این‌که آقای خوئی فرمودند احراز امتثال حکم عقل است. ملاک حکم عقل که ترجیح در او نیست؛ عقل می‌‌گوید باید احراز کنید امتثال این تکلیف را و باید احراز کنید امتثال آن تکلیف را. اینجا جای ترجیح به اهمیت نیست که. اینجا می‌‌شود تخییر. و لذا آقای خوئی نتیجه گرفته در این مسأله، مخیری بین آن دو راه:‌ یا موافقت قطعیه نماز ظهر یا موافقت قطعیه نماز عصر.

تامل بفرمایید در این مطلب که آیا ترجیح به اهمیت یا محتمل الاهمیة منحصر است به تزاحم بین الواجبین الشرعیین که از او تعبیر می‌‌کنند به تزاحم امتثالی یا نه، در تزاحم بین دو واجب عقلی [هم می‌آید] که از او تعبیر می‌‌کنند به تزاحم احرازی مثل این‌که اشتباه می‌‌شود واجب به حرام، ‌یک میت مسلم است دفنش واجب، ‌یک میت کافر است دفنش حرام، تجهیزش حرام، خب چه کار کنیم؟ اینجا آیا عقل ترجیح نمی‌دهد احراز امتثال تجهیز میت مسلمان را؟ این بحث مهمی است که ان‌شاءالله فردا دنبال می‌‌کنیم.